

فصلنامه علمی رهپافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شاپا: X739-1735

دوره ۱۱، شماره ۱ (پیاپی ۵۹)، پاییز ۹۸، تاریخ انتشار: مهر ۹۸

نسبت اندیشه‌ی سیاسی سعدی با نظریه‌های روابط بین‌الملل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۳

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۳/۲۵

علی باقری دولت‌آبادی*

محمد حسن اسدی**

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در سال‌های اخیر ذهن دانش‌پژوهان، سیاست‌گذاران فرهنگی و آموزشی و حتی مقامات عالی کشور را به خود مشغول کرده، زمینه‌سازی برای تولید دانش بومی و نیل به چنین دانشی است. دانش روابط بین‌الملل نیز از این دغدغه جدا نبوده و همیشه این بحث وجود داشته که تا چه حد تولید دانش بومی در این رشته صورت گرفته است. یکی از پایه‌های تدوین نظریه‌های بومی روابط بین‌الملل، توجه به سنت‌های فکری در طول تاریخ یک کشور است. سعدی از جمله شاعران ایرانی است که در نظم و نثر خود به حوزه‌ی سیاست و حکومت توجه نشان داده است. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش این است که نگاه سعدی به جهان و روابط با سایر دولت‌ها در قالب کدام سنت نظری جای می‌گیرد؟ هدف از انجام این پژوهش، شناخت و معرفی سرمایه‌های فکری و اندیشه‌ای ایرانیان برای بهره‌گیری در تولید نظریه‌های بومی روابط بین‌الملل در آینده است. فرضیه‌ی پژوهش - همان‌گونه که در تصویرسازی‌های انجام‌شده از سعدی در جامعه وجود دارد- بر تعلق وی به نظریه‌ی لیبرالیسم (شاخه آرمانگرایی) تأکید دارد. برای آزمون فرضیه، از روش مقایسه‌ای استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از مجموع نظریه‌های طرح‌شده در قرن بیستم، دو سنت واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی را به‌خوبی می‌توان در آثار سعدی یافت. آنچه سعدی را در این میان متمایز می‌سازد، سیر اندیشه‌ی وی از واقع‌گرایی یا آرمان‌گرایی محض به سوی واقع‌گرایی عمل‌گرایانه است که در کمتر اندیشمند و نظریه‌پرداز مشاهده می‌شود.

واژگان کلیدی: سعدی، نظریه‌های روابط بین‌الملل، دانش بومی، واقع‌گرایی، آرمان‌گرایی،

واقع‌گرایی عمل‌گرایانه.

صفحات: ۵۸-۸۱

* عضو هیئت علمی گروه
علوم سیاسی، دانشگاه
یاسوج، یاسوج. (نویسنده‌ی
مسئول)

abagheri@yu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی
ارشد علوم سیاسی،
دانشگاه یاسوج، یاسوج.

Mohammad.asa-
di95959@gmail.com

A Comparison of Saadi ' s Political Thought with International Relations Theories

Ali Bagheri Dolatabadi*

Mohammad hasan Asadi**

Abstract

One of the most important issues that has attracted the attentions of scholars, cultural and educational policymakers, and as well as the Iranian top officials in recent years is to create the indigenous knowledge. Knowledge of International Relations has not been separated from this concern, and there has always been a debate about how much indigenous knowledge has been generated in this field? One of the fundamentals of native theories of international relations is the consideration of intellectual traditions throughout a nation's history. Saadi is an Iranian poet who paid attention to politics and governance in his works. Accordingly, the main question of this research is whether Saadi's approach to the world and relations with other nations is consistent with what theoretical tradition? For this purpose, a descriptive-analytic method has been used. Findings of the research show that among the theories of International Relations in the twentieth century, two traditions of Realism and Idealism can be found well in Sadi's works. What distinguishes Saadi in this regard is the evolution of his thought of pure Realism or Idealism towards the pragmatism that is seen in few thinker and theorist.

Key words: Saadi, Theories of International Relations, Indigenous Knowledge, Realism, Idealism, Pragmatic Realism.

* Associate Professor, Faculty member of political Science at Yasouj University. Abagheri@yu.ac.ir

** M.A Student of Political science at Yasouj university

مقدمه

یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر مناظرات نظری را در رشته‌ی روابط بین‌الملل تحت تأثیر قرار داده، بحث در مورد اهمیت، امکان‌پذیری و مطلوبیت نظریه‌پردازی‌های غیرغربی در این حوزه است (Acharya and Buzan, 2007:287). در برخی از کشورهای غیرغربی و به‌ویژه در ایران، لزوم نظریه‌پردازی بومی در برابر نظریه‌ی غربی یا در کنار آن مطرح بوده (Shani, 2008; Fawcett, 2012) و آنچه در اینجا مفروض است، امکان‌پذیری نظریه‌پردازی بومی و نیز مطلوبیت آن است (Makarychev & Morozov, 2013). از این منظر، ما کم‌وبیش همانند هر جامعه‌ی دیگری در منابع بومی خود مباحثی نظری داریم که یا کشف شده، اما به داخل محیط‌های آکادمیک راه نیافته‌اند، یا اساساً مکشوف نشده‌اند، اما زمینه‌ی اکتشاف آن‌ها وجود دارد و اگر کشف شوند و به کار روند، از آن‌جا که مبتنی بر فرهنگ بومی و نیازهای بومی‌اند، می‌توانند قابلیت‌های بیشتری برای شناخت و حل مسائل و مشکلات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران داشته باشند. این مسئله به‌ویژه آن‌گاه اهمیت دوچندان خواهد یافت که در نظر داشته باشیم هیچ نظریه‌ای در روابط بین‌الملل از موقعیت مسلطی که ناشی از پذیرش کم‌وبیش همگانی آن باشد، برخوردار نیست و فضا برای ارائه دیدگاه‌های مکمل و جدید وجود دارد (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۶۷-۱۶۵). همچنین محققان در جوامع غیرغربی می‌توانند به زبان‌های دیگری سخن بگویند و وارد گفتمان‌های دیگری شوند که غرب امکان پرداختن به آن را ندارد. از این گذشته، ممکن است آنان بتوانند بینش‌ها یا جرح و تعدیل‌های مهمی به استدلال‌های غربیان بیفزایند که دانشمندان غربی به دلیل موانع زبانی یا معرفت‌شناختی قادر به انجام آن نیستند (تیکنز، ۱۳۹۰: ۶). لذا نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل، هم از حیث منابع، بیش از حد محدود و هم از حیث نفوذ، بیش از آن مسلط هستند که برای سلامت پروژه‌ی دامنه‌دارتر شناخت جهانی اجتماعی که در آن به سر می‌بریم، مناسب باشند و ما بر آنیم که نظریه‌ی روابط بین‌الملل فی‌نفسه غربی نیست، بلکه حوزه‌ی گشوده‌ای است که نامعقول نیست اگر انتظار داشته باشیم غیرغربیان، دست کم به همان نسبت که در عمل روابط بین‌الملل شریک‌اند، در نظریه‌پردازی آن نیز سهیم باشند (آکاریا و بوزان، ۱۳۸۹: ۲۲). نام و آوازه‌ی سعدی و شهرت آثار گران‌قدر او دیری است از مرزهای ایران و قلمرو زبان فارسی فراتر رفته و خطه‌ها و کشورهای دیگر را در این جهان پهناور درنوردیده است. طبق اظهارنظر درست گارسن دوتاسی: «سعدی یگانه نویسنده‌ی ایرانی است که در اروپا محبوبیت یافته است». محبوبیت سعدی را در اروپا تنها با نوعی تجانس فکری وی با نبوغ غربی می‌توان تعبیر کرد، تجانسی که بی‌شک اصولاً بر اثر سبک زیبا و ظریف و موجز سعدی به وجود آمده است (ماسه، ۱۳۶۹: ۳۴۵ و ۳۴۳). از این رو، می‌توان گفت آثار نظم و نثر سعدی یکی از منابع غنی فارسی است که پرداختن به آن‌هم می‌تواند دانشجویان و محققان را از سنت‌های غنی فارسی

در موضوعات بین‌المللی آگاه سازد و هم این که بستر را برای نظریه‌پردازی‌های بومی در آینده فراهم سازد. واقعیت این است که علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از متون کهن ادبی و فلسفی خود در ایران بی‌بهره مانده و آن‌گونه که باید و شاید به آن توجه نشده است. این کتاب‌ها عموماً به‌جای تأمل و غور برای استخراج نظریه‌های بومی، به آرامش‌دهندگان و صیقل‌دهندگان روح‌های ناآرام ایرانی در هنگام مصائب و درد تبدیل شده‌اند. هدف از انجام این پژوهش، شناخت و معرفی این سرمایه‌های فکری و اندیشه‌ای برای بهره‌گیری در تولید نظریه‌های بومی روابط بین‌الملل در آینده است. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که نگاه سعدی به جهان پیرامون و روابط با سایر دولت‌ها در قالب کدام سنت نظری جای می‌گیرد؟ در اندیشه‌ی سعدی چه مبانی فکری برای خلق نظریات بومی روابط بین‌الملل در ایران وجود دارد؟ فرضیه‌ی اصلی پژوهش، سعدی را یک پیرو راستین لیبرالیسم (از شاخه‌ی آرمان‌گرایی) می‌داند؛ همان‌گونه که اکثر ایرانیان او را با اشعار صلح‌آمیز و دعوت به اخلاق می‌شناسند. لذا برای پاسخ به سؤال پژوهش از روش مقایسه‌ای استفاده شده و دیدگاه‌های سعدی با اصول هر دو نظریه‌ی لیبرالیسم و واقع‌گرایی مقایسه می‌شود.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

در خصوص اندیشه‌های سیاسی شعرا و ادبای ایرانی در کل کار چندان زیادی صورت نگرفته است. در این میان، سعدی به‌واسطه شناخت بیشتر در جامعه و مطالعه‌ی آثارش، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. با وجود این، آثار اندکی درباره رابطه‌ی سعدی و سیاست در میان آثار تألیفی وجود دارد. سایر آثار نگاشته‌شده درباره این شاعر ایرانی عموماً به خصوصیات ادبی آثار او توجه کرده‌اند. در ادامه، به بررسی مهم‌ترین آثاری که مشابهت بیشتری با موضوع پیش رو دارد پرداخته و وجه تمایز آن‌ها با پژوهش حاضر توضیح داده خواهد شد.

علیرضا ازغندی (۱۳۹۱) در کتاب «اندیشه‌های سیاسی سعدی، ارزیابی در قالب جامعه‌شناسی سیاسی»، از آرای سعدی نه به‌عنوان یک شاعر، بلکه یک مربی علم‌الاجتماع و جامعه‌شناسی واقع‌گرا عرضه می‌کند. این کتاب با وجود جامعیت، به رابطه‌ی این اندیشه‌ها و نوع نظام سیاسی و یا رابطه با جهان بیرون اشاره‌ای نکرده است. زهرا معبودی (۱۳۸۵) در کتاب «جامعه‌شناسی در آثار سعدی»، بر آن است که سعدی را جامعه‌شناسی زبردست و آگاه معرفی کند و در حقیقت آثارش را از نظرگاه جامعه‌شناسی مورد کندوکاو قرار دهد. مسائل معنوی و اخلاقی، کشورداری و سیاست، تعلیم و تربیت، اقبال جامعه، فرهنگ و مردم و... از جمله مهم‌ترین مباحثی است که نویسنده‌ی این کتاب به آن‌ها توجه داشته است.

سیاوش حق‌جو (۱۳۸۱) در مقاله‌ی «حکمت سیاسی سعدی (اخلاقی واسطه میان فرادست و فرودست و ادبیات آن)»، به این موضوع می‌پردازد که چگونه سعدی با یاری

گرفتن از شگردهایی پیوسته می‌کوشد که از صدور احکام قاطع اخلاقی پرهیزد و ارتباط خود با سیاست جاری جامعه‌اش را حفظ کند. به عقیده‌ی نویسنده، شگرد او برای حفظ جایگاه اجتماعی خود توسل به واسطه‌ی اخلاقی میان دو قطب متقابل جامعه یعنی فرادستان و فرودستان بوده است. سعدی هر دو طرف را علی‌رغم تقابل شان مکمل یکدیگر می‌داند و از این رهگذر شکل منسجم اصلاح‌شده‌ی اجتماع خود را طراحی و پیشنهاد می‌کند.

پژوهش بعدی انجام‌شده درباره سعدی، «سیاست و کشورداری در نگاه سعدی» به قلم سارا صدریان (۱۳۹۱) است. او پس از بیان اصول و موازین سیاست و کشورداری از دیدگاه سعدی، معتقد است که وی در دو اثر ارزشمند خود یعنی گلستان و بوستان، مدینه‌ی فاضله‌ای را می‌جوید که آکنده از ایمان به خدا، نیکی و صفا، راستی و پاکی و روشنی و حقیقت باشد. این مدینه‌ی فاضله برای ما آرزو و تصویری می‌آفریند از عالم، چنان‌که باید باشد و در دل‌ها این شوق را پدید می‌آورد که در راه ساختن جهانی بهتر و انسانی‌تر باید کوشید.

حسین صفری نژاد (۱۳۸۹) در مقاله‌ی «بررسی اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی سعدی»، به یکی از ویژگی‌های بارز سبک سعدی، یعنی طنز اشاره کرده و معتقد است سعدی در دو اثر جاویدان خود، یعنی گلستان و بوستان با هوشمندی توانسته با استفاده از این سبک، اوضاع و احوال اجتماعی دوران خود و مناسبات آن را به تصویر کشد. به همین سبب، نویسنده سعدی را یکی از بنیان‌گذاران این نوع شیوه‌ی سخنوری در قرن هفتم به شمار آورده است.

پژوهش بعدی درباره سعدی توسط داریوش رحمانیان (۱۳۸۹) با عنوان «سعدی و سیاست» انجام شده است. اگرچه این اثر در ظاهر شباهت‌هایی با برخی آثار قبلی دارد، اما نویسنده کوشیده از زاویه‌ی سنت اندرزنانه‌نویسی به بررسی سعدی بپردازد. به عقیده‌ی او، می‌توان گلستان و بوستان را در وهله‌ی نخست اندرزنانه‌هایی سیاسی دانست که با هدف تأدیب و بیداری و تنبیه اهل قدرت و سیاست نوشته و سروده شده است. مطالعه‌ی آثار فوق اگرچه مفید و سازنده است، اما نمی‌تواند چیز زیادی به خواننده درباره دیدگاه‌های سعدی در حوزه‌ی روابط بین‌الملل بدهد؛ لذا اندیشه‌ی سعدی در این باب همچنان ناشناخته و مبهم است؛ حال آنکه به عقیده‌ی نویسندگان، اندیشه‌ی سعدی ظرفیت لازم برای استخراج و کمک به تولید نظریه‌ی بومی و ایرانی روابط بین‌الملل را دارد. مرور مقالات و کتاب‌های انگلیسی نیز حاکی از این است که جز ترجمه و تفسیر گلستان و بوستان به زبان انگلیسی (Titley and Waley, 1986)، تعریف و تمجید از آن به‌عنوان اثری فاخر در حوزه‌ی ادبیات جهان (Inglis, 1958) و نیز مقایسه‌ی ادبی گلستان و بوستان با آثار مشابه خارجی (Arberry, 1994; Mohyeddin Ghomshei, 2016) به وجه اندیشه‌ای سعدی در حوزه‌ی سیاست و روابط بین‌الملل هیچ توجهی نشده است. با

بررسی آثار فوق می‌توان به این جمع‌بندی رسید که در بررسی آثار سعدی تنها به وجه ادبی، سیاست داخلی و بعد حکمرانی پرداخته شده و در هیچ اثری تاکنون بعد خارجی و نسبت اندیشه‌ی سیاسی سعدی با نظریه‌های روابط بین‌الملل توجه نشده است. لذا اثر پیش رو تلاش می‌کند تا این ضعف را برطرف کرده و از قابلیت‌ها و پتانسیل آن برای ارائه‌ی نظریه‌ی ایرانی روابط بین‌الملل پرده بردارد. قطعاً لازمه‌ی رسیدن به این نظریه بومی، بررسی سایر آثار ادبی مشابه و تجمیع آن‌ها با یکدیگر است؛ اقدامی که یک دهه است در کشور چین و بر روی منابع کهن ادبی و فلسفی آن شروع شده و در حال انجام است (Ho, 2018; Cunningham-Cross and kristensen, 2014; Qin, 2011).

۲. چارچوب نظری

به‌طور کلی، می‌توان گفت در روابط بین‌الملل دو سنت نظری وجود دارد که سایر نظریه‌ها، یا شاخه‌ای از آن هستند یا تکمیل و یا واکنشی به آن. این دو سنت همان واقع‌گرایی و لیبرالیسم هستند. بی‌تردید واقع‌گرایی مهم‌ترین و پایدارترین نظریه‌ی روابط بین‌الملل بوده است (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۷۳). این نظریه به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، ریشه در اندیشه و فلسفه‌ی مورخان و فیلسوفان مغرب‌زمین، مانند توسیدید، ماکیاولی و هابز دارد و بعد از جنگ جهانی دوم، به صورت منظم توسط هانس مورگنتا در حوزه‌ی روابط بین‌الملل، ارائه شده است. به باور واقع‌گراها، انسان ذاتاً بدذات است و خشونت و منازعه در سرشت وی موضوعی طبیعی و غریزی است. چراکه پیوسته به دنبال بقا و منافع خویش است. کشورها نیز چون انسان‌ها مهم‌ترین دغدغه‌شان بقا و ادامه‌ی حیات است؛ در نتیجه قدرت‌طلبی موضوعی طبیعی در روابط بین‌الملل است و تأمین آن، حتی با توسل به زور و جنگ نیز جایز است. به گفته‌ی دویچ «به دلیل محروم بودن نظام سیاسی بین‌الملل یا اجتماع دولت‌ها از وجود هرگونه مرجع مرکزی برای حل و فصل اختلافات و تخصیص منابع کمیاب، این به عهده‌ی یکایک اعضاست که برای کسب و حفظ هر آنچه می‌توانند دست یابند و برای حفظ خود در مقابل تهدیدات خارجی روی پای خود بایستند» (دویچ و همکاران، ۱۳۷۵: ۲۴۵-۲۴۴). مورگنتا به‌عنوان یکی از اندیشمندان اصلی واقع‌گرایی کلاسیک، شش اصل واقع‌گرایی را این‌گونه توضیح می‌دهد:

وجود قواعد عینی که در سیاست ثابت بوده و ریشه در طبع بشر دارند.
منافع، مفهوم کلیدی برای درک سیاست بین‌الملل است که بر اساس قدرت تعریف می‌شود.

منافع ثابت است، ولی شکل و ماهیت قدرت دولت‌ها در طول زمان تغییر می‌کند.
رفتار دولت‌ها متأثر از اصول اخلاقی عام نیست، اگرچه ممکن است این رفتار اثرات اخلاقی داشته باشد.

مجموعه‌ای از قواعد اخلاقی عام مورد قبول وجود ندارد.

به لحاظ نظري، حوزه‌ی سياست از ديگر حوزه‌ها جداست (رضايی و اسکندری، ١٣٨٤: ٥).

ويليام ولفرز معتقد است که مکتب فکری رئالیسم بر اساس سه مفروض اصلی در مورد کارکرد جهان قرار دارد: گروه‌گرایی، خودپرستی و قدرت‌محوری (Wohlforth, 2008: 32). این سه مفروض هستی‌شناختی، مفاهیم بنیادین رئالیسم را بازسازی می‌نمایند. اکثر رئالیست‌ها این مفروضات را از حد سه‌گانه‌ی فوق فراتر برده و بر شش مفروض اصلی تأکید می‌کنند: ١. محیط آنارشیک نظام بین‌الملل؛ ٢. دولت‌سالاری؛ ٣. قدرت؛ ٤. عقلانیت؛ ٥. بقا؛ و ٦. خودیاری (عبدالله خانی، ١٣٨٩: ٦٥-٦٢).

در برابر نظریه‌ی فوق، لیبرالیسم قرار دارد (نگاه کنید به جدول شماره ١). لیبرالیسم یکی از شایع‌ترین و قدیمی‌ترین آموزه‌های فلسفی - سیاسی عصر حاضر است. در قاموس سیاسی، لیبرالیسم فلسفه‌ای است مبنی بر اعتقاد به اصل آزادی که در رنسانس و همچنین اصلاح دینی نهفته است (قادری، ١٣٨٦: ١٧). این آموزه چیزی بیش از یک مجموعه‌ی ارزشی است. ارزش‌های آن بر پایه‌ی متافیزیک خاص خود استوار نبوده، بلکه بر بنیاد نظریه‌ای از ماهیت انسان و جامعه قرار دارد (آربلاستر، ١٣٧٧: ١٧). قاعده‌ی کلی لیبرالیسم، خوش‌بینی به ذات انسان است (Stean and Pettiford, 2001: 53-54). لیبرال‌ها معتقدند که می‌توان به تغییراتی در روابط بین‌الملل دست یافت و روند گسترش مردم‌سالاری، وابستگی متقابل اقتصادی و نهادهای بین‌المللی، به ترویج صلح کمک می‌کند (چرنوف، ١٣٩٠: ١٤٢). از نظر لیبرال‌ها، انسان موجودی است ذی‌شعور که نیازی به قیم ندارد و چنانچه راه برای پیشرفت او باز باشد، ترقی و پیشرفتش حدی ندارد. همچنین بر اساس این رویکرد، در انسان مختصات وجود دارد که او را به سوی تشریک مساعی و انجام کارهای خیر سوق می‌دهد و توجه انسان به رفاه سایرین زمینه‌های پیشرفت و ترقی را در جامعه‌ی ملی و بین‌المللی فراهم می‌کند. این نوع تفکر عمدتاً نشأت گرفته از عصر روشنگری است که طی آن نوید بهبود تمدن را می‌دهد. در چارچوب چنین تفکری، وجود انحراف در انسان که خشونت، جنگ و تعارض را سبب می‌شود، از طبیعت او سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه وجود نهادهای نامطلوب و نبود امکانات مناسب برای رشد و شکوفایی افراد زمینه‌های لازم را برای تعقیب رفتارهای خودخواهانه و آسیب رسانیدن به دیگران فراهم می‌کند. بنابراین با انجام اصلاحات نهادی می‌توان از وقوع جنگ جلوگیری کرد (قوام، ١٣٨٥: ٣٤١-٣٤٠).

به‌طور کلی، برای لیبرالیسم پنج اصل برشمرده شده است. این اصول عبارت‌اند از:

١. لیبرال‌ها معتقدند همه انسان‌ها موجوداتی عقلانی‌اند. عقلانیت را می‌توان به دو شکل به کار برد: الف: به شکل ابزاری به‌عنوان توانایی شکل دادن و تعقیب منافع؛ ب: توان فهم اصولی اخلاقی و زندگی بر اساس حکومت قانون.
٢. لیبرال‌ها به آزادی فردی بیش از هر چیز بها می‌دهند.

۳. لیبرالیسم برداشتی مثبت یا مترقی از سرشت بشر دارد. لیبرال‌ها معتقدند می‌توان به تغییراتی در روابط بین‌الملل دست یافت.
۴. لیبرال‌ها بر امکانات کارگزاری انسانی برای تأثیر بر تغییر تأکید می‌کنند.
۵. لیبرالیسم به طرق متمایزی، تفکیک میان قلمرو داخلی و بین‌المللی را به چالش می‌کشد (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۲۷).

جدول شماره ۱. مقایسه‌ی رئالیسم و لیبرالیسم

لیبرالیسم (آرمان‌گرایی)	رئالیسم (واقع‌گرایی)	
اتحادیه فرادولتی - بازیگران فرودولتی	دولت	بازیگر اصلی
اقتصاد	امنیت	محور اصلی بحث
وضعیت اجتماعی جوامع	وضع ما قبل اجتماعی جوامع	آناشری
اقتصادی	نظامی	نوع قدرت
منافع جمعی	منافع فردی	نگرش به منافع ملی
همکاری دسته‌جمعی	خودیاری (موازنه قدرت)	نحوه دستیابی به منافع و امنیت
تأکید بر قواعد حقوقی و اخلاقی جهان‌شمول	عدم اعتقاد به اصول جهانی اخلاقی	نگرش به مسائل اخلاقی

(شعب، ۱۳۸۸: ۸۰)

در ادامه، تلاش می‌شود پس از سخنی کوتاه درباره سعدی و زمانه‌اش، مفاهیم کلیدی‌ای که مبنای اختلاف دو دیدگاه فوق را شکل می‌دهد، در اندیشه‌ی سعدی بازبایی و تشریح گردد.

۳. بررسی کوتاه به تاریخ عصر سعدی (وضع سیاسی - اجتماعی ایران قرن هفتم)

دوران زندگی شیخ اجل، سعدی، یکی از پریشان‌ترین، فاجعه‌آمیزترین و خون‌بارترین دوره‌های تاریخی ایران است. مغول‌های وحشی از شرق ایران هجوم آورده بودند و هر چه را پیش رو می‌دیدند، بی‌رحمانه نابود می‌کردند. سلطان محمد خوارزمشاه از جلو آن‌ها گریخت و دلاوری‌های پسرش، جلال‌الدین نیز نتوانست آن‌ها را از پیشروی بازدارد (حسن‌لی، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۵). ادوارد براون درباره زیان جبران‌ناپذیری که از حمله‌ی مغول روی داد می‌گوید: «در نظر من، میان تاریخ پیش از این حادثه‌ی هولناک و تاریخ روزگاران بعد از آن، شکافی عظیم وجود دارد. حمله‌ی مغول چنان انحطاطی در تمدن

و علوم و ادبیات اسلامی پدید آورد که پس از آن هرگز به نحو کامل برطرف نگردید» (براون، ۱۳۷۳: ۲۵). مورخان موج اول حمله‌ی مغول به ایران را سال ۶۱۶ ق. ضبط کرده‌اند و موج دوم را سال ۶۵۶ ق. دانسته‌اند. این همان سال حمله‌ی هولاکو به بغداد است که به اعتبار پایان یافتن خلافت، یکی از مهم‌ترین واقعه‌های تاریخ اسلام به شمار می‌آید و در ضمن همان سالی است که سعدی در بهار آن گلستان را نوشته است (موحد، ۱۳۹۲: ۵۱-۵۰). در این دوران پرآشوب، قسمت بزرگی از فلات پهناور ایران، صحنه‌ی تاخت و تازهای ویران‌کاران مغول و تاتار و دیگر زردپوستان وحشی و نیمه‌وحشی آسیای مرکزی شد؛ اما وجود پناهگاه‌هایی برای فرهنگ ایرانی در این دوره و علاقه‌مندی برخی از سلاطین ایرانی یا ایرانی‌شده که جسته‌وگریخته به شعر و ادب و شاعران و نویسندگان پارسی‌گوی توجهی می‌کردند، باعث شد که ادب پارسی از سلسله‌ی استادان پارسی‌گوی منقطع نشود و حتی در بعضی از مراکز، شاعران توانایی ظهور پیدا کنند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به سعدی، مولوی و حافظ اشاره کرد. یکی از این مأمین‌ها و پناهگاه‌ها ناحیه‌ی فارس، یعنی مکان ولادت سعدی، شاعر قرن هفتم هجری است که مقارن با حکومت اتابک سعد بن زنگی (۶۲۳-۵۹۹ هجری) و پسرش، اتابک ابوبکر (۶۵۸-۶۲۳ هجری) است که از پادشاهان موصوف به پرورش ادیبان و عالمان و معروف به ایجاد آبادانی‌ها و مسجدها و خانقاه‌ها بودند. در توضیح این قسمت می‌توان گفت که مقارن با حمله‌ی چنگیز، چند حکومت محلی در ایران وجود داشت که بعضی در گیر و دار حمله‌ی مغول و تاتار از میان رفت و بعضی به عللی باقی ماند و از این دست حکومت‌ها می‌توان به حکومت اتابک سعد بن زنگی اشاره کرد که مقارن حمله مغولان بر ایران، آخرین سال‌های امارت خود را در فارس می‌گذرانید و به سبب مصالحه با محمد خوارزمشاه و مدارا با پسران او، حکومت خود را حفظ کرد و به ایجاد مدارس و مساجد توجه نمود. همچنین حکومت پسرش، اتابک ابوبکر، با سرداران اگتای قاآن، مصالحه کرد و با لقب قُتلغ خان به پادشاهی فارس باقی ماند و چون در عهد هلاکو نیز این اظهار اطاعت را تجدید کرد، فارس را از خطر ویرانی نجات داد و آنجا را به صورت پناهگاهی برای بعضی از فاضلان و مرکز بزرگ علمی و ادبی دوره‌ی مغول درآورد و آثار بسیار در فارس بر جای نهاد (صفا، ۱۳۸۵: ۳۶-۱۷). همچنان که ادوارد براون دربار ایران دوره مغول شرح می‌دهد: «به‌طور کلی، باید گفت که جنوب ایران که از خط سیر حملات مغولی به طرف مغرب برکنار شده بود، کمتر از نواحی شمالی و مرکزی و غربی دچار خسارت گردید. اصفهان گرفتار قتل عام شد. لکن شیراز به تدابیر عاقلانه و تسلیم به‌موقع اتابک آن شهر آسیبی نیافت» (براون، ۱۳۳۹: ۲۰). مشاهده‌ی چنین محیط ناآرام سیاسی و جنگ و خونریزی قطعاً در ظهور بینش سیاسی بین‌المللی سعدی تأثیرگذار بوده است. این بینش همچنین به‌شدت از مذهب و سنت‌های فکری زمانه‌ی سعدی تأثیر پذیرفته است. لذا سعدی سیاستمداری است که سیاست خود را از

درون نظام موجود قدرت، با دیدی عرفانی-اجتماعی بیرون کشیده است. او می‌کوشد تا ارتباط خود را با سیاست جاری جامعه‌اش حفظ کند و جایگاه اجتماعی خویش را نگاه دارد و آن عبارت است از واسطگی اخلاقی میان دو قطب متقابل جامعه یعنی فرادستان و فرودستان (حق‌جو، ۱۳۸۱: ۱۱۳).

۴. سعدی و دو اثر مهم آن (بوستان و گلستان)

همان‌طور که اشاره شد سعدی در زمان سعد بن زنگی و پسر او، ابوبکر بن سعد و پسر وی، سعد بن ابوبکر- از اتابکانِ سُلغری فارس- می‌زیسته و پس از آنان نیز در عهد چند شاه و شهریار دیگر حیات داشته است. دکتر همایون کاتوزیان بر اساس شواهد و دلایل، نتیجه می‌گیرد که «سعدی بین سال‌های ۶۰۰ و ۶۰۶ قمری به دنیا آمده، تخلص خود را از سعد بن زنگی گرفته، پیش از درگذشت او در سال ۶۲۳ فارس را ترک کرده، در حدود سی سال در سفر بوده، حوالی سال ۶۵۳ به شیراز بازگشته، در سال ۶۵۵ بوستان را به پایان رسانده و در سال ۶۵۶ گلستان را تألیف کرده است. سال مرگ او را به اتفاق ۶۹۰ تا ۶۹۳ گفته‌اند، اما شاید بین ۶۸۰ و ۶۸۳ بوده است» (همایون کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۷۱-۷۰). نظام حکومتی در قرن هفتم- عصر سعدی- نظام سلطنتی و ملوک‌الطوئافی بوده است و از مسئولین آن نظام‌ها با عناوین سلطان، امیر، ملک و... نام برده شده است. از این‌رو، در دوره‌ی سعدی کلیه‌ی امور حکومتی اعم از امور نظامی، اداری، سیاسی و حتی قضایی در دست سلطان و یا والی و حاکم قرار داشت. اما در مورد شخصیت و بنیاد فکری سعدی، به اجمال می‌توان گفت: «فرهنگ اسلامی، دین و مذهب، سفرها، تعلیم و تعلم در مدرسه‌ی نظامیه، تجربیات چند دهه‌ی زندگی، معاشرت با اقوام و ملل گوناگون و اقشار مختلف مردم، در شکل‌گیری شخصیت و افکارش تأثیر حیاتی داشته‌اند. سعدی در حقیقت هم آنچه را دیده، شنیده، خوانده و تجربه کرده است و هم آنچه را که به‌عنوان ویژگی‌های یک جامعه‌ی آرمانی و مدینه‌ی فاضله در ذهن داشته است، در آثارش آورده است» (رنجبر کلهرودی، ۱۳۸۳: ۵۰-۴۹).

دکتر عبدالحسین زرین کوب در مورد دو اثر مهم سعدی می‌گوید: «گلستان ناظر به واقعیت‌های زندگی است و دنیا را چنان‌که هست وصف می‌کند، اما بوستان، دنیا را نه آن‌گونه که هست، آن‌گونه که باید باشد تصویر می‌کند.» اما دنیایی که باید با آنچه هست تفاوت داشته باشد، با جنگ و شورش و دگرگونی دفعی به وجود نمی‌آید. راه نیل به آن که اصلاح احوال جامعه است، تهذیب و تربیت است که انسان را از آن‌که هست به گونه‌ی آنچه باید باشد درآورد (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۷۶). از همین روست که بوستان کتاب آرمان شهر سعدی خوانده شده و سعدی‌شناسان و دوستداران او، همواره بوستان را در جایگاه یک کتاب اخلاقی و آموزشی نگریده و آن را «جهان مطلوب سعدی» دانسته‌اند (حسن‌لی، ۱۳۸۹: ۴۱ و ۴۰).

از این‌رو، می‌توان گفت که بوستان عالم انسانیت و تسامح است به معنی کامل کلمه،

بی آن‌که این مفهوم عالی و شریف در مرز نژاد، کیش و آیین محصور بماند (یوسفی، ۱۳۷۵: ۳۲۷)، اما گلستان سعدی، آینه‌ی تمام‌نمای اوضاع اجتماعی و فرهنگی زمان اوست که عادت‌ها و خلق و خویهای مردم زمانه را به شایستگی بازتابیده است (حسن‌لی، ۱۳۸۹: ۲۸). دنیایی که سعدی در گلستان ساخته، هرچند تا اندازه‌ای خیالی است، اما تصویر درست دنیای واقعی است. سعدی در این کتاب انسان را با دنیای او و با همه‌ی معایب و محاسن و با تمام تضادها و تناقض‌هایی که در وجود او هست تصویر می‌کند (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۸۶-۸۵). لذا سعدی هم مسلمان معتقد است و هم مسلمان عارف. ولی یک مسلمان به تمام معنی‌تر، یعنی پر از انعطاف و پر از شور که مواهب زندگی را به‌هیچ‌وجه نمی‌خواهد انکار کند و عارف به این معنا که مرزها را چندان رعایت نمی‌کند، یعنی یک فکر گسترده، یک فکر باز، یک فکر بی‌مرز در برابرش است (اسلامی‌ندوشن، ۱۳۹۰: ۱۰۶). بنابراین می‌توان گفت که سعدی تنها شاعر ایرانی است که تقریباً درباره‌ی همه چیز حرف داشته و حرف زده است: عشق و عرفان، دین و دنیا، عفت و اخلاق، دولت و جامعه، داد و بیداد، شاه و وزیر. اما بارزترین ویژگی آثارش التقاطی بودن آن است. سعدی به بهترین معنای کلمه التقاطی است، یعنی در هیچ چارچوب بسته‌ای نمی‌گنجد و از هیچ زاویه‌ی منحصربه‌فردی به جهان نمی‌نگرد. به کلام دیگر، نه فقط آرا و عقاید او در مکتب ویژه‌ای نمی‌گنجد، بلکه مهم‌تر از آن، متدولوژی او را هم نمی‌توان به یکی از مکاتب رسمی کاهش داد (همایون کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۴۹).

حال پس از اشاره‌ای کوتاه به زندگی عصر سعدی و شرایط سیاسی-اجتماعی آن دوران، به بحث اصلی پژوهش، یعنی نسبت اندیشه‌ی سعدی با نظریه‌های روابط بین‌الملل می‌پردازیم.

۵. بازیگران عرصه‌ی جهانی

دوره‌ای که سعدی در آن زیسته دوره‌ای است که از میان اشکال بازیگری در روابط بین‌الملل، دو گونه‌ی آن شناخته‌شده و مرسوم بوده است. نخست امپراتوری‌ها و دیگری دولت‌ها. با وجود این که اشکالی از امپراتوری در منطقه‌ی شرق آسیا و مغولستان موجود بوده، اما اندیشه‌ی سعدی نه مروج امپراتوری است و نه مدافع آن. آنچه وی در بوستان و گلستان خود ترسیم می‌سازد، مجموعه‌ای از پادشاهان، شاهزادگان به همراه وزیران، مشاوران، نظامیان و رعیت است که در یک رابطه‌ی هرمی شکل چیزی شبیه به دولت امروزی را تشکیل می‌دهند. هر ملکی صرف نظر از کوچک یا بزرگ بودن آن، حدود و ثغوری دارد که توسط بازیگران دیگر به رسمیت شناخته شده است. آنچه جمعیت، وسعت و حاکمیت آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، قاعده «زور» است و حق با کسی است که پیروز خواهد شد. لذا از این منظر، فضای ترسیم‌شده در اشعار سعدی به اندیشه‌ی واقع‌گرایی در خصوص نوع بازیگران جهانی نزدیک می‌شود؛ چنان که او پیوسته پادشاه

را نسبت به رفتار با شهروندان خود تحذیر داده و از ظلم بر آنها نهی می‌کند.

پادشاهی که طرح ظلم افکند *** پای دیوارِ ملکِ خویش بکند
(گلستان، حکایت ۶: ۷۱)

پادشاهی کو روا دارد ستم بر زیردست *** دوستدارش روز سختی دشمن زورآورست
با رعیت صلح کن وز جنگ خصم ایمن نشین *** زانکه شاهنشاه عادل را رعیت لشکرست
(گلستان، حکایت ۶: ۷۲).

۶. آنارشیی و اعتماد به دیگر بازیگران

دو سنت واقع‌گرایی و لیبرالیسم از منظر اعتماد به بازیگران دیگر، نقطه‌ی مقابل همدیگرند. در حالی که واقع‌گراها عرصه‌ی روابط بین‌الملل را عرصه‌ی آنارشیی و قدرت‌طلبی می‌خوانند که هر بازیگری درصدد فریب دیگری برای کسب منافع بیشتر است، آرمان‌گرایان اصل را بر پاکی سرشت دیگر بازیگران و اعتماد به آنها قرار داده که از دل روابط آنها سود مطلق حاصل خواهد شد و هر دو از این روابط بهره خواهند برد. در بحث آنارشیی، اگرچه نگاه سعدی واقع‌گرایی صرف نیست، اما به واقع‌گرایی بیشتر نزدیک است تا آرمان‌گرایی. در اندیشه‌ی او به‌خوبی می‌توان رگه‌هایی از واقع‌گرایی و حذر کردن نسبت به دشمن را دید. همچنان که برای واقع‌گرایان پیرو هابز، امنیت بزرگ‌ترین خیر و نیکی است و ناامنی بزرگ‌ترین شر و بدی (عالم، ۱۳۹۲: ۲۴۰-۲۳۸). در نگاه سعدی نیز تأمین امنیت جایگاهی رفیع دارد. او اگرچه همچون هابز انسان را گرگ انسان نمی‌خواند، اما چشم بستن بر دشمن را نیز جایز نمی‌شمرد. مثلاً در بحث بی‌اعتمادی و دشمن‌شناسی این‌گونه گوشزد می‌کند:

ز بیگانه پرهیز کردن نکوست *** که دشمن توان بود در زیّ دوست
(بوستان، بیت ۲۶۵، ص. ۴۴)

هرگز ایمن زمار ننشستم *** که بدانستم آنچه خصلت اوست
ز زخمِ دندان دشمنی بترست *** که نماید به چشم مردم، دوست
(گلستان، حکایت ۲۷: ۳۰۳)

نگویم ز جنگ بداندیش ترس *** در آوازی صلح از او بیش ترس
حذر کارِ مردانِ کارا که است *** یزک سَدّ روینِ لشکرکه است
(بوستان، بیت ۱۰۸۰ و ۱۰۷۵: ۷۶)

دانی که چه گفت زال بارستمِ گرد *** دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد (گلستان، حکایت ۴: ۶۳)

نکته‌ی قابل توجه در اندیشه‌ی سعدی در این قسمت، این است که به هیچ وجه دشمن را دست کم ننگرفته و همواره بر طبل بی‌اعتمادی، حتی به آنان که ممکن است در ظاهر ضعیف و ناتوان باشند، می‌کوبد.

گره‌ی مسکین اگر پر داشتی *** تخمِ گنجشک از جهان برداشتی

عاجز، باشد که دستِ قوت یابد *** برخیزد و دستِ عاجزان برتابد

(گلستان، حکایت ۱۴: ۲۶۱).

۷. اتحادها و ائتلافها

نگاه سعدی به عهد و میثاق دشمن دقیقاً بازتابی کامل از اندیشه‌های نظریه‌پردازان واقع‌گرای قرن بیستم در آمریکا است. آنان هرگونه اتحاد و دوستی را رد کرده و امری شکننده می‌دانند. واقع‌گراها اتحادها را موقتی، مصلحتی و تابع نفع زودگذر می‌دانند که پس از تأمین منافع باید از آن حذر کرد و به آن دل‌خوش نبود؛ زیرا دوست و دشمن دائمی در جهان وجود ندارد و همه‌چیز تابع منافع است. سعدی نیز به‌خوبی همین مفاهیم را در قالب ابیات زیر به نظم کشیده است:

یا وفا خود نبود در عالم *** یا مگر کس درین زمانه نکرد
کس نیاموخت علم تیر از من *** که مرا عاقبت نشانه نکرد
(گلستان، حکایت ۲۷: ۱۲۲).

او به‌خوبی درباره این که دوستان امروز شما ممکن است دشمنان فردای شما باشند و برعکس، دشمنان امروز شما می‌توانند دوستان فردای شما باشند، می‌گوید: «هر آن سَرّی که داری با دوست در میان منه؛ چه دانی که وقتی دشمن گردد؛ و هر گزندی که توانی به دشمن مرسان، که باشد وقتی دوست شود».

خاموشی به که ضمیر دل خویش *** با کسی گفتن و گفتن: که مگوی (گلستان، حکایت ۱۰: ۵۲۲).
یا در جای دیگری به‌درستی اشاره می‌کند: «سخن میان دو دشمن چنان گوی که گر دوست گردند، شرم‌زده نشوی».

میان دو کس جنگ چون آتش است *** سخن چین بدبخت هیزم کش ست
کنند این و آن خوش دگر باره دل *** وی اندر میان کوربخت و خجل
میان دو تن آتش افروختن *** نه عقل است و خود در میان سوختن
(گلستان، حکایت ۱۲: ۵۲۵).

برای او اتحاد نیز دقیقاً تابع مصلحت‌سنجی و حالت موقت گونه دارد. او اتحادها را برخاسته از شرایط زمانه و دوستی‌ها و دشمنی‌ها می‌بیند. گو این که سعدی به‌نوعی خواستار آن است تا پادشاه را به مفهوم «موازنه‌ی قدرت» که یکی از مفاهیم کلیدی واقع‌گراها برای دستیابی به صلح است رهنمون سازد.

برو دوستی گیر با دشمنش *** که زندان شود پیرهن بر تنش
چو در لشکر دشمن افتد خلاف *** تو بگذار شمشیر خود در غلاف
(بوستان، بیت ۱۰۸۶ و ۱۰۸۵: ۷۶).

توصیه‌ی سعدی به اتحاد گرفتن با دشمن دشمن خود برای پیروزی بر او و یا روی آوردن به «دیپلماسی مخفی» برای سود بردن در آینده، نکته‌ای است که در کمتر ادیب و شاعر ایرانی می‌توان آن را جست. لذا از این زاویه باید گفت سعدی سرآمد همه سیاست‌نامه‌نویسان شده است.

چو شمشیر پیکار برداشتی *** نگه دار پنهان ره آشتی
که لشکر کشوفان مغفر شکاف *** نهان صلح جستند و پیدا مصاف
(بوستان، بیت ۱۰۹۰ و ۱۰۸۹: ۷۷).

۸. نوع قدرت

در مطالعه‌ی اندیشه‌ی سعدی هر دو نوع قدرت نرم و سخت را می‌توان یافت. او هم نیم‌نگاهی به قانون دارد و هم ارتش. نه همانند آرمان‌گرایان خوش‌بین است که همه‌چیز در جامعه به مدد قانون حل و فصل خواهد شد و با قانون می‌توان به مدینه‌ی فاضله رسید و نه همانند واقع‌گرایان بر خشونت صرف و برخوردهای سخت و نظامی تأکید می‌کند. گویی اینکه باید در این بخش اندیشه‌ی او را جمع هر دو نظریه دانست و او را واقع‌گرایی عمل‌گرا دانست.

سعدی در برابر دوگانه‌ی ماکیاولی در کتاب شه‌ریار خود برای حفظ قدرت یعنی قوانین خوب و ارتش خوب (ماکیاولی، ۱۳۶۶: ۶۷)، دوگانه‌ی خویش را در نیروی نظامی و اهل اندیشه می‌جوید:

دو تن، پرور ای شاه کشورگشای *** یکی اهل بازو، دوم اهل رای
ز نام‌آوران گوی دولت برند *** که دانا و شمشیرزن پروند

(بوستان، بیت ۱۰۷۰ و ۱۰۶۹: ۷۶).

در حقیقت، اهل اندیشه آن‌هایی هستند که سعی می‌کنند به مدد تدبیر و با وضع قوانین امور را نظم و نسق بخشیده و از هرج‌ومرج دور کنند. اینان طایفه‌ای هستند که پادشاه نباید خود را از هم‌صحبتی با آن‌ها محروم سازد. اینان به تأکید سنت واقع‌گرایی تاریخ زنده‌اند. گذشته را چراغ راه آینده ساخته و از دل تجربه‌های دیگران در دل تاریخ راهکار برای آینده ارائه می‌کنند.

گرت مملکت باید آراسته *** مده کار معظم به نوحاسته
(بوستان، بیت ۱۰۵۰: ۷۵)

امید عافیت آنکه بود موافق عقل *** که نبض را به طبیعت شناس بنمای
(گلستان، حکایت ۷۹: ۵۸۰)

نکته‌ی قابل تأمل در باب قدرت در اندیشه‌ی سعدی این است که وی نه همچون واقع‌گرایان دل‌خوش به قدرت نظامی و تکیه بر آن دارد و نه همانند لیبرال‌ها بر اقتصاد صرف تکیه می‌کند. او ترکیبی از هر دو را در جامعه می‌جوید؛ بنابراین از نگاه او نه مال بدون تجارت می‌ماند و نه مملکت بدون تدبیر و سیاست. او پادشاه را هم به تدبیر کردن روابط با سایر ممالک فرامی‌خواند و هم خواستار توسعه‌ی روابط اقتصادی است: «سه چیز پایدار نماند: مال بی تجارت و علم بی بحث و ملک بی سیاست» (گلستان، حکایت ۷: ۵۲۱). همچنین اندیشه‌ی سعدی در کاربرد خشونت و زور در جامعه به دست دولت، با واقع‌گرایی فاصله دارد. در حالی که ماکیاولی در مقام پدر واقع‌گراها معتقد است که وحشی‌گری و ستم‌کاری در صورت لزوم باید هوشمندانه، کامل، یک‌باره و در مدت کوتاه صورت گیرد (عالم، ۱۳۹۲: ۴۳-۳۸). سعدی راه رعایت اصل اعتدال و انعطاف را در پیش می‌گیرد:

چو نرمی کنی خصم گردد دلیر *** وگر خشم گیری شوند از تو سیر
(بوستان، بیت ۲۹۲: ۴۵)

کسی که لطف کند با تو، خاک پایش باش *** وگر ستیزه برد، در دو چشمش آگن خاک
سخن به لطف و کرم با درشت خوی مگوی *** که زنگ خورده نگرده به نرم سوهان پاک
(گلستان، حکایت ۸۳: ۵۸۵).

حتی در بحث منشأ قدرت نیز سعدی اصل قدرت را متعلق به خداوند می داند و سایر قدرت‌ها را امور اعتباری و بی حقیقت برمی شمرد؛ زیرا «اگر قدرت حقیقت باشد، پس قدرتمندترین قدرتمندان به حق‌ترین آنهاست و آن خداست، به‌خصوص این که قدرت او بی‌زوال است. در نتیجه، شاهان نباید آسوده خاطر باشند و باید بکوشند تا به خویش کاری خود که عدالت است عمل کنند و حاصل هم حمایت رعایا از ایشان است» (حق جو، ۱۳۸۱: ۱۱۰).

۹. خودیاری

محور بحث نظریه‌های روابط بین‌الملل و علی‌الخصوص واقع‌گرایی، قدرت است. پیروان این اندیشه، همچنان که شرح آن آمد، به روز جنگ، تنها توان خود را قابل اتکا می‌دانند و نه دوستی‌ها و اتحادها را. پس توصیه‌ی همیشگی واقع‌گرایان به حاکمان این است که برای روز مبادا آماده باشند و هر آنچه می‌توانند و می‌بایست آماده سازند تا بتوانند از خود دفاع کنند. تکیه بر خود به‌جای دیگری در مفهومی به نام «خودیاری» خلاصه می‌شود. سعدی از این بعد پیش‌تاز واقع‌گراهاست؛ زیرا پیوسته پادشاه را به تهیه‌ی لشکر و قدرت نظامی فرامی‌خواند:

دو تن، پرور ای شاه کشورگشای *** یکی اهل بازو، دوم اهل رای
ز نام‌آوران گوی دولت برند *** که دانا و شمشیرزن پرورند
(بوستان، بیت ۱۰۷۰ و ۱۰۶۹: ۷۶)

اگرچه واقع‌گراها اهمیت ارتش و نیروی نظامی را یادآور می‌شوند، اما هیچ‌گاه به رابطه‌ی دولت با ارتش هیچ اشاره‌ای نمی‌کنند. حال آن‌که از این زاویه نیز سعدی پیش‌قراول است و برای حفظ حکومت، به پادشاه توصیه می‌کند که سپاهیان و نیروی نظامی خود را به‌هیچ‌وجه نادیده نگیرد و نیازهای آنان را برطرف کند تا در زمان سختی و جنگ، از کشور دفاع کنند و بر دشمنان پیروز شوند:

سپاهی در آسودگی خوش بدار *** که در حالتِ سختی آید بکار
(بوستان، بیت ۱۰۳۶: ۷۴)
ملک را بود بر عدو دست، چیر *** چو لشکر دل‌آسوده باشند و سیر
(بوستان، بیت ۱۰۴۰: ۷۵).
سپاهی که خوش‌دل نباشد ز شاه *** ندارد حدودِ ولایت نگاه
(بوستان، بیت ۴۶۸: ۵۲).

سعدی در گلستان نیز آورده است: «یکی از پادشاهان پیشین در رعایت مملکت سستی کردی و لشکر به‌سختی داشتی، لاجرم دشمنی صعب روی نهاد، همه پشت بدادند...».
چو دارند گنج از سپاهی دریغ *** دریغ آیدش دست بردن به تیغ
(گلستان، حکایت ۱۴: ۸۵).

۱۰. جنگ و صلح

زمانه‌ی سعدی زمانه‌ی جنگ و دلهره و ترس از بازگشت خشونت و ناآرامی است. با

این حال وی شاعر بخشنندگی و نوع دوستی است (جهاننگلو، ۱۳۷۸: ۶۶). شاعر جنگ نیست. شاعر صلح است، اما شاعر صلحی که خود را برای هر جنگی آماده ساخته است؛ زیرا سعدی معتقد است که جامعه هر چند که کمال مطلوب و آرمانی باشد، همواره دشمنانی خواهد داشت. ولی یک مدینه‌ی فاضله در همان حال که با دشمنی سروکار دارد یا در حال جنگ است، باید همواره توسط برخی اصول اخلاقی و سلوکی هدایت شود. اول از همه، یک حکومت آرمانی کار تجاوز و تخطی را ولو بر ضد کشور دشمن آغاز نمی‌کند و سپاهیان خود را در معرض خطرات ناخواسته قرار نمی‌دهد. به کار بردن تدبیر سیاسی به استعمال زور رجحان دارد. صلح همواره باید بر جنگ مقدم باشد. باید در آغاز برای غلبه بر دشمن اقدامات اخلاقی و مادی به کار برد ولی زمانی که همه کوشش‌های صلح جویانه به جایی نرسید، جنگ و خصومت را ممکن است آخرین چاره دانست. با این همه، سعدی تأکید می‌ورزد حتی زمانی هم که جنگ آغاز شد باید «در صلح» را باز نگاه داشت و هیچ فرصت صلح آمیز را از دست نداد، زیرا صلح بیسی از جنگ بهتر است (رنجبر کله‌رودی، ۱۳۸۳: ۷۷). به همین دلیل هم در نظم و نثر سعدی صلح دوستی و راه‌های دست‌یابی به آن را می‌توان یافت و هم جنگ پیش‌دستانه را. او در اینجا نیز بیش‌تر واقع‌گرایی عمل‌گراست تا یکی از این دو به‌تنباهی. سعدی در باب صلح دوستی می‌سراید:

صلح با دشمن اگر خواهی هر که ترا *** در قفا عیب کند، در نظرش تحسین کن
سخن آخر به دهان می‌گذرد مودی را *** سخنش تلخ نخواهی، دهنش شیرین کن (گلستان،

حکایت ۲۴: ۱۱۲)

سعدی راه دست‌یابی به صلح با دشمن را در مصلحت‌سنجی و نیکی کردن در حق رقیب می‌جوید:
تا دل دوستان به دست آری *** بوستان پدر فروخته به
پختن دیگ نیک‌خواهان را *** هر چه رخت سر است سوخته به
با بداندیش هم نکویی کن *** دهن سگ به لقمه دوخته به
(گلستان، حکایت ۳۳: ۱۳۰).

اما جالب‌ترین بخش اندیشه‌ی سعدی جایی است که مفهوم جنگ پیش‌دستانه را توضیح می‌دهد. همان جنگی که اساس دکترین امنیت ملی آمریکا بعد از یازده سپتامبر را شکل داد. جنگ پیش‌دستانه زمانی صورت می‌گیرد که کشور مهاجم، بر اساس دریافت خود از اقدامات دشمن یا کشور رقیب، به این نتیجه می‌رسد که در آینده‌ی نزدیک، مورد حمله قرار خواهد گرفت (یزدان‌فام، ۱۳۸۶: ۳۸۶-۳۸۵). درحقیقت مفهوم جنگ پیش‌دستانه در اندیشه‌ی سعدی از باب رسیدن به صلح و آرامش در آینده است و نه همچون واقع‌گرایان آمریکایی برای سلطه بر جهان و قدرت‌طلبی.

امروز بکش، چو می‌توان کشت *** کاتش چو بلند شد، جهان سوخت
مگذار که زه کند کمان را *** دشمن که به تیر می‌توان دوخت
(گلستان، حکایت ۱۱: ۵۲۴)

هر که را دشمن پیش است، اگر نکشد، دشمن خویش است...
مار بر دست و مار سر بر سنگ *** خیره‌رایی بود قیاس و درنگ

(گلستان، حکایت ۵۰: ۵۵۳)

او جنگ پیش گیرانه را که پاسخی است به تهدیداتی که در آینده ممکن است رخ دهد، در قالب داستانی کوتاه، این گونه شرح می دهد: «هرمز (فرزند انوشیروان) را گفتند: وزیران پدر را چه خطا دیدی که بند فرمودی؟ گفت خطایی معلوم نکردم، ولیکن دیدم که مهابت من در دل ایشان، بیکران است و بر عهد من اعتماد کلی ندارند. ترسیدم از بیم گزند خویش آهنگ هلاک من کنند؛ پس قول حکما را به کار بستم که گفته اند: از آن کز تو ترسد بترس ای حکیم *** وگر با چنو صد برآیی به جنگ از آن مار بر پای راعی زند *** که ترسد سرش را بکوبد به سنگ بینی که چون گربه عاجز شود *** برآرد به چنگال چشم پلنگ؟ (گلستان، حکایت ۸: ۷۴).

۱۱. اخلاق

درست برعکس واقع گراها که به اخلاق در مناسبات دولت‌ها هیچ بهایی نمی دهند و اساساً سیاست را خالی از اخلاقیات می دانند، لیبرال‌ها اخلاق را اساس حفظ حقوق شهروندان در جامعه و برقراری آرامش می دانند. برای آنان جامعه‌ی بی قانون و بدون اخلاقیات معنایی ندارد. به همین سبب درصدد نشر اخلاقیات در جامعه‌ی بین‌المللی برآمده و از «جامعه‌ی بین‌الملل» به جای «نظام بین‌الملل» سخن می گویند. مطالعه‌ی مطالب فوق ما را چنان به اطلاق «واقع‌گرا» به سعدی امیدوار می سازد که شنیدن درباره اخلاق از زبان او دور از ذهن می ماند. اما سعدی در قلمرو انسان‌دوستی و تعلق خاطر به مصالح انسان‌ها و مهم شمردن خدمت خلق، پیش‌تر و بیشتر از انسان‌گرایان باخترزمین گام برداشته است (معبودی، ۱۳۸۵: ۲۳)؛ و جالب این جاست که شعر این شاعر ایرانی تزیین‌بخش سالن سازمان ملل، یعنی مهم‌ترین نهاد بین‌المللی و مسئول حفظ صلح و آرامش در جهان است. آنجا که می‌سراید: بنی آدم اعضای یکدیگرند *** که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار *** دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی *** نشاید که نامت نهند آدمی (گلستان، حکایت ۱۰: ۷۷).

این اشعار به‌خوبی انعکاس اندیشه‌های جهان‌وطنانه در روابط بین‌الملل و یادآور دیدگاه‌های کریس براون در این خصوص است (Brown, 1992). گو این که سعدی معلم اخلاق گراها در این باره است. به نظر می‌رسد در این بخش از اشعار سعدی، آنچه بیش از همه تأثیرگذار بوده، دین سعدی یعنی اسلام و نگاه آن به زندگی و سرانجام حیات است. جهان ای پسر، مُلک جاوید نیست *** دنیا وفاداری امید نیست
نه بر باد رفتی سحرگاه و شام *** سریر سلیمان علیه‌السلام؟
به آخر ندیدی که بر باد رفت؟ *** خُنک آن‌که با دانش و داد رفت
کسی زین میان گوی دولت ربود *** که در بند آسایش خلق بود (بوستان، بیت ۷۹۴ تا ۷۹۱: ۶۵).
به قومی که نیکی پسندد خدای *** دهد خسروی عادل نیک‌رای
نخواهی که نفرین کنند از پست *** نکو باش تا بد نگوید کست (بوستان، بیت ۶۵۶ و ۶۴۵: ۵۹).

تفاوت کار او با اخلاقی‌نویسان و نظریه‌پردازانی چون خواجه نصیر در این است که خواجه و امثال او با اقتباس از اخلاق ارسطویی برای هر يك از خوبی‌ها، حالت افراط و تفریط قایل شده و پس از نقد این دو سوی، میانه‌ی آن‌ها یعنی حد اعتدال را «خیرالامور» دانسته و در مجموع اخلاقی را سفارش کرده‌اند که آدمی را از هرگونه شر و شور یا ترک و زهد بازمی‌دارد و طرح زندگانی آرام و میانه‌رو را تقدیم انسان می‌کنند. ولی اخلاق سعدی علاوه بر دعوت به اعتدال، به اموری نیز فرامی‌خواند که همه‌ی ارزش و زیبایی آن‌ها به چیرگی جنبه‌ی افراط بر آن‌هاست، همچون عشق و ایثار (حق جو، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

۱۲. هم‌زیستی مسالمت‌آمیز

سعدی را همچنین می‌توان پیش‌تاز لیبرال‌ها در بحث هم‌زیستی مسالمت‌آمیز خواند. همچنان که لیبرال‌ها معتقدند دولت‌ها از راه همکاری بهتر می‌توانند منافع خود را تأمین سازند و همکاری آن‌ها با یکدیگر، آن‌ها را درگیر فرایندی منفعت‌ساز می‌سازد که دیگر به جنگ روی نشان نمی‌دهند و آن را هزینه‌ساز می‌دانند، سعدی نیز در عین تأکید بر قدرت‌جویی از سوی پادشاه، او را به تعامل و هم‌زیستی با دیگران فرامی‌خواند. هم‌زیستی‌ای که در آن نه از دشمن باید غافل شد و نه بر ضعیف ظلم راند.

سر پنجه‌ی ناتوان بر مپیچ *** که گر دست یابد برآیی به هیچ
عدو را به کوچک نباید شمرد *** که کوه کلان دیدم از سنگ خرد
(بوستان، بیت ۵۹۵ و ۵۹۴: ۵۷).

تحمل کن ای ناتوان از قوی *** که روزی توان‌تر از وی شوی
(بوستان، بیت ۶۰۱: ۵۷).

تنت زورمند است و لشکر گران *** ولیکن در اقلیم دشمن مران
(بوستان، بیت ۴۵۰: ۵۱).

او به پادشاه توصیه می‌کند که در صورت نداشتن توان و قدرت رویارویی با دیگران راه هم‌زیستی در پیش گیرد تا زمانی که دشمن ضعیف شود. این توصیه، او را به عمل‌گرایی که به اندیشه‌های ای.اچ. کار منتسب می‌شود، نزدیک می‌سازد (Carr, 1964; Jones, 1998). «پنجه با شیر زدن و مشت با شمشیر، کار خردمندان نیست...» (گلستان، حکایت ۴۵: ۵۴۹).

چون نداری ناخن درنده تیز *** با ددان آن به که کم گیری ستیز
هر که با پولاد بازو پنجه کرد *** ساعد مسکین خود را رنجه کرد
باش تا دستش ببندد روزگار *** پس به کام دوستان مغزش برآر
(گلستان، حکایت ۲۱: ۱۰۸).

چو نتوان عدو را به قوت شکست *** به نعمت بیاید در فتنه بست
(بوستان، بیت ۹۹۵: ۷۳).

عدو را به فرصت توان کند پوست *** پس او را مدارا چنان کن که دوست
(بوستان، بیت ۱۰۰۰: ۷۳).

چو دشمن شکستی بیفگن غلم *** که بازش نیاید جراحت به هم
(بوستان، بیت ۱۰۲۹: ۷۴).

۱۳. سعدی و واقع گرایی عمل گرایانه

ما در ابتدا لازم دیدیم که قبل از وارد شدن به بحث واقع گرایی عمل گرایانه، عناصر این رویکرد، یعنی واقع گرایی و آرمان گرایی را توضیح دهیم و سپس هر یک را با اندیشه‌ی سعدی مقایسه کنیم و در قسمت آخر، یعنی واقع گرایی عمل گرایانه، نشان دهیم که با وجود تناقض ظاهری این دو نظریه (واقع گرایی و آرمان گرایی) اما در اندیشه‌ی سعدی، درواقع این دو مکمل واقع گرایی عمل گرایانه در اندیشه‌ی سعدی هستند؛ زیرا درکل، حیات بین الملل عرصه‌ی تصمیم گیری ملاحظه کارانه است و سیاست گذاران باید تصمیمات خود را با شرایط خاص سازگار کنند (Jones, 1998: 149). عمل گرایی با «واقع گرایی» محض تفاوت دارد. استدلال ای. اچ. کار این است که آنچه واقع گرایی محض عرضه می کند، چیزی نیست جز مبارزه‌ی عریان بر سر قدرت (carr, 2001: 87) که در آن جایی برای آرمان‌ها باقی نمی ماند. عمل گرایی با آرمان‌شهرانگاری نیز که فرض می کند با اراده می توان آن آرمان شهر را تحقق بخشید، متفاوت است (carr, 2001: 12). کار، عمل گرایی را مصالحه‌ای میان قدرت و اخلاقیات تلقی می کند (jones, 1998: 149-150). درکل، می توان گفت که این واقع گرایی عمل گرایانه، حاوی عناصری از آرمان گرایی و واقع گرایی است که در آن، نابرابری به عنوان یک واقعیت تأیید می شود و از ترتیبات ناعادلانه‌ی حاکم بر نظام بین الملل و لزوم تلاش برای جلوگیری از جنگ و خونریزی و خشونت در سطح جهانی، آگاهی وجود دارد و تلاش می شود در چارچوب امکانات نظام و محدودیت ناشی از جایگاه قدرت، شرایط کمتر خشونت بار و منصفانه تری حاکم شود (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۲۱۲-۲۱۱).

سعدی، شاعری سیاح بود. سیر در آفاق و انفس، به ویژه ژرف نگری او در احوال و افکار مردم و شناخت اقوام و ملل که در جریان مسافرت‌ها و اقامت‌های خود در شهرها و سرزمین‌های مختلف با آن‌ها معاشرت کرد، از او شاعری اجتماعی و همدل با انسان‌ها ساخت (معبودی، ۱۳۸۵: ۱۲۳). همچنان که امرسون، نویسنده و متفکر معروف آمریکایی در قرن نوزدهم، می گوید: «سعدی به زبان همه ملل و اقوام عالم سخن می گوید و گفته‌های او مانند هومر و شکسپیر و سروانتس و موتینی همیشه تازگی دارد» (دبیری نژاد، ۱۳۷۵: ۱۵۴). این به دلیل این است که نظریات اجتماعی و سیاسی سعدی بیش از آن که برخاسته از عواطف و احساسات شاعرانه باشد، از مصلحت‌اندیشی او سرچشمه می گیرد و بر ادراک و حساب‌گری استوارند (معبودی، ۱۳۸۵: ۴۵)؛ و اگر سعدی تعلیم اخلاق می دهد، این اخلاق، بیش از هر چیز حائز جنبه‌ی عملی است و در وهله‌ی اول باید همین جنبه‌ی عملی اخلاق سعدی را در نظر گرفت (ماسه، ۱۳۶۹: ۱۶۷)؛ عمل گرایی‌ای که دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن آن را متفاوت از پراگماتیسم آمریکایی می داند؛ یعنی روشی نیست که جهت کسب منافع برحسب مقتضیات زمان و وضع روز، سیاست یا مشی خود را جهت سود بیشتر با آن تنظیم کند. او عمل گرایی

سعدی را این‌گونه بیان می‌کند: «عمل‌گرایی سعدی در واقع نوعی انعطاف در زندگی است، یعنی شما هدفی برای خودتان تعیین می‌کنید و برای رسیدن به آن هدف راه‌هایی را برمی‌گزینید. هدف سعدی یک هدف انسانی و اخلاقی است و تیتش آن است که به نفع عمومی و جامعه باشد» (اسلامی ندوشن، ۱۳۹۰: ۱۱۸). از این‌رو، با توجه به این تعاریف می‌توان او را «واقع‌گرایی عمل‌گرا» نامید.

حال با توضیحی کوتاه در مورد واقع‌گرایی عمل‌گرایانه، به بحث «سعدی» و رابطه‌ی وی با این رویکرد می‌پردازیم که چگونه می‌توان او را یک واقع‌گرای عمل‌گرا نامید؟ ما در این قسمت و در پاسخ به این سؤال، از نکاتی که سعدی پیرامون مصلحت‌سنجی و چگونگی برخورد با دشمن و تنش‌زدایی و همچنین اعمال و رفتار در شرایط خاص مطرح می‌کند، سخن به میان می‌آوریم:

مثلاً سعدی در مصلحت‌سنجی خود و چگونگی برخورد با «دشمن قوی و تنش‌زدایی با آن» این‌گونه بیان می‌کند:

چون نداری ناخن درنده تیز *** با ددان آن به که کم گیری ستیز
هر که با پولاد بازو پنجه کرد *** ساعد مسکین خود را رنجه کرد
باش تا دستش ببندد روزگار *** پس به کام دوستان مغزش برآر
(گلستان، حکایت ۲۱: ۱۰۸).

چو نتوان عدو را به قوت شکست *** به نعمت بیاید در فتنه بست
عدو را به فرصت توان کند پوست *** پس او را مدارا چنان کن که دوست
چو دشمن شکستی بیفگن عَلم *** که بازش نیاید جراحت به هم
(بوستان، بیت ۱۰۲۹ و ۱۰۰۰ و ۹۹۵: ۷۴-۷۳).

پنجه با شیر زدن و مشت با شمشیر، کار خردمندان نیست... (گلستان، حکایت ۴۵: ۵۴۹).

سعدی، مصلحت‌سنجی و چگونگی «برخورد باضعفا و درویشان» را این‌گونه آینده‌نگری می‌کند:

سر پنجه‌ی ناتوان بر میبچ *** که گر دست یابد برآیی به هیچ
عدو را به کوچک نباید شمرد *** که کوه کلان دیدم از سنگ خُرد
تحمل کن ای ناتوان از قوی *** که روزی تواناتر از وی شوی
(بوستان، بیت ۶۰۱ و ۵۹۵ و ۵۹۴: ۵۷).

تنت زورمند است و لشکر گران *** ولیکن در اقلیم دشمن مران

(بوستان، بیت ۴۵۰: ۵۱).

سعدی، مصلحت‌سنجی و چگونگی «دفع دشمن با فکر و اندیشه» را هم بدین شکل

شرح می‌دهد:

برو دوستی گیر با دشمنش *** که زندان شود پیرهن بر تنش
چو در لشکر دشمن افتد خلاف *** تو بگذار شمشیر خود در غلاف
(بوستان، بیت ۱۰۸۶ و ۱۰۸۵: ۷۶).

چو شمشیر پیکار برداشتی *** نگه دار پنهان ره آشتی
که لشکر کشوفان مغر شکاف *** نهان صلح جُستند و پیدا مَاصاف
(بوستان، بیت ۱۰۹۰ و ۱۰۸۹: ۷۷).

و در آخر، سعدی «راه دست‌یابی به صلح با دشمن» را هم در مصلحت‌سنجی خود

بدین شکل مطرح می‌کند:

صلح با دشمن اگر خواهی هر گه که تورا *** در قفا عیب کند، در نظرش تحسین کن
سخن آخر به دهان می‌گذرد مودی را *** سخنش تلخ نخواهی دهنش شیرین کن
(گلستان، حکایت ۲۴: ۱۱۲).

تا دل دوستان به دست آری *** بوستان پدر فروخته به
پختن دیگ نیک خواهان را *** هر چه رخت سر است سوخته به
با بداندیش هم نکویی کن *** دهن سگ به لقمه دوخته به
(گلستان، حکایت ۳۳: ۱۳۰).

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در اندیشه‌ی سیاسی سعدی هم توصیه‌ها، اندرزها و نصیحت‌های اخلاقی به پادشاه از جنس لیبرالیسم وجود دارد و هم تأکید بر آمادگی برای جنگ با دشمن و تقویت ابزارهای نظامی مورد تأکید واقع‌گرایان. اما واقعیت این است که سعدی نه آرمان‌گرای تام و تمام است و نه واقع‌گرای محض. اندیشه‌ی او در واقع به عمل‌گرایی سیاسی بیشتر شبیه است تا یکی از آن دو؛ آنچه برخی آن را واقع‌گرای عمل‌گرا می‌خوانند. به عبارت دیگر، نه از آرمان رسیدن به صلح و آرامش دست می‌شوی و نه در خوش‌بینی آن مستغرق می‌شود. از این لحاظ، شاید بتوان سعدی را بر خواجه نظام‌الملک و برخی تذکره‌نویسان دیگر ایرانی سرآمدی بخشید. درحقیقت ما با دو سعدی در آثار وی روبه‌رو می‌شویم: سعدی که در گلستان واقع‌گراست و سعدی که در بوستان دنیای آرمانی خویش را به تصویر می‌کشد. مجموع این دو، از سعدی انسانی می‌سازد که در بین سایر شعرا و نویسندگان ایرانی کمتر نمونه‌ای می‌توان برایش پیدا کرد. شعر و نثر او هم زینت‌بخش مجلس صلح‌طلبان و اخلاق‌گرایان در روابط بین‌الملل است و هم آزرین‌بخش مجالس واقع‌گرایان. هرکدام با آن به نوعی هم‌ذات‌پنداری می‌کنند، حال آن‌که سعدی نه این تمام است و نه آن تمام. سعدی از جنگ و خون‌ریزی، غربت و آوارگی خسته است و بیزار. اما این‌ها بخشی از واقعیت زمانه‌ی او هستند که از آن نمی‌تواند فرار کند. لذا درحالی که آرمان‌شهر اخلاق و صلح خود را در بوستان می‌جوید، چشم از واقعیت‌های جامعه نیز نمی‌تواند بپوشد. شاید بتوان گفت آنچه سعدی ۸۰۰ سال پیش بیان می‌کرد، درد امروز جامعه ایران است. به همین سبب، ما شاهد شکل‌گیری گفتمان تازه‌ای در سیاست و روابط خارجی ایران هستیم که آن را «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» می‌خوانند. بر این اساس، دیدگاه‌های سعدی در حوزه‌ی روابط بین‌الملل می‌تواند تا حد بسیاری به جامعه‌ی دانشگاهی ایران برای رسیدن به نظریه‌ی بومی روابط بین‌الملل کمک کرده و مفاهیم و ترکیب‌های تازه‌ای به ادبیات سیاسی آن اضافه کند.

منابع الف) منابع فارسی

- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۱)، اندیشه‌های سیاسی سعدی، تهران: قومس.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۹۰)، چهار سخنگوی وجدان ایران (فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ)، تهران: نشر قطره.
- آکاریا، آمیتاوا؛ بوزان، بری (۱۳۸۹)، نظریه‌های غیر غربی روابط بین‌الملل: دیدگاه‌هایی درباره آسیا و فراسوی آن، ترجمه علیرضا طیب. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- براون، ادوارد (۱۳۳۹)، تاریخ ادبی ایران از نیمه قرن هفتم تا آخر قرن نهم هجری؛ از سعدی تا جامی - عصر استیلای مغول و تاتار، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: به سرمایه کتابخانه ابن‌سینا.
- براون، ادوارد (۱۳۷۳)، تاریخ ادبیات ایران؛ از فردوسی تا سعدی، ترجمه فتح‌الله مجتباتی، تهران: انتشارات مروارید.
- تیکنر، آرنلن؛ ویور، آلی (۱۳۹۰)، دانش روابط بین‌الملل در چهار گوشه جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۷۸)، اندیشه عدم خشونت، ترجمه محمدرضا پارسایار، تهران: نشر نی.
- چرنوف، فرد (۱۳۹۰)، نظریه و زیر نظریه در روابط بین‌الملل: مفاهیم و تفسیرهای متعارض، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۹)، دریچه صبح: بازشناسی زندگی و سخن سعدی، تهران: خانه کتاب
- حق‌جو، سیاوش (۱۳۸۱)، حکمت سیاسی سعدی، اخلاقی واسطه میان فرادست و فرودست و ادبیت آن، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۶ و ۷، صص ۹۷-۱۱۷.
- دبیری‌نژاد، بدیع‌الله (۱۳۷۵)، تصوف در نظر سعدی، در کتاب: منصور رستگار فسایی، مقالاتی درباره‌ی زندگی و شعر سعدی، تهران: امیرکبیر.
- دویج، کارل و همکاران (۱۳۷۵)، نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی، جلد یکم، تهران: جهاد دانشگاهی.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۸۹)، «سعدی و سیاست»، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، شماره ۷، صص ۲۴-۲۵
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۵)، مقالاتی درباره‌ی زندگی و شعر سعدی، تهران: امیرکبیر.
- رضایی اسکندری، داوود (۱۳۸۴)، تحول مفهوم دولت در نظریه‌های روابط بین‌الملل، مطالعات راهبردی، شماره ۲۷، صص ۱۰۵-۱۳۴.
- رنجبر کله‌رودی، عباس (۱۳۸۳)، اندیشه‌های مدیریت ایرانی؛ جلوه‌های مدیریت در آثار سعدی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی شعبه واحد تهران.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹)، حدیث خوش سعدی؛ درباره زندگی و اندیشه سعدی، تهران: انتشارات سخن.
- سعدی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۶۳)، بوستان (سعدی نامه)، به تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- سعدی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۸۵)، کلیات، به اهتمام محمد علی فروغی، تهران: هرمس.
- سعدی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۹۶)، گلستان، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، چاپ بیست و هفتم، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.
- شعیب، بهمن (۱۳۸۸)، روسیه و اتحادیه اروپا؛ تقابل واقع‌گرایی و لیبرالیسم، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۷، صص ۹۶-۶۹.
- صدریان، سارا (۱۳۹۱)، سیاست و کشور داری در نگاه سعدی، وب‌سایت راسخون، آذر ۱۳۹۱، قابل دسترسی در:

- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۵)، *تاریخ ادبیات ایران*، خلاصه جلد دوم: از اوایل قرن هفتم تا پایان قرن هشتم هجری، (تلخیص از محمد ترابی)، تهران: فردوس.
- صفری‌نژاد، حسین (۱۳۸۹)، بررسی اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی سعدی، *فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی* دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۲۸، صص ۲۳۹-۲۱۶.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۹۲)، *تاریخ فلسفه سیاسی غرب*، عصر جدید و سده نوزدهم، تهران: وزارت امور خارجه.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹)، *نظریه‌های امنیت*، تهران: ابرار معاصر تهران.
- قادری، حاتم (۱۳۸۶)، *اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۵)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- ماسه، هانری (۱۳۶۹)، *تحقیق درباره‌ی سعدی*، ترجمه غلامحسین یوسفی و محمدحسن مهدوی اردبیلی، تهران: انتشارات توس.
- ماکیاویلی، نیکولو (۱۳۶۶)، *شهریار*، ترجمه داریوش آشوری، تهران: کتاب پرواز.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۶)، *سنت واقع‌گرایی در ایران: فصلنامه سیاست*، ۱ (۴۷)، صص ۲۲۰-۲۰۱.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰)، *تحولات جدید نظری در روابط بین‌الملل: زمینه مناسب برای نظریه‌پردازی بومی*، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۲، صص ۱۶۵-۲۰۴.
- معبودی، زهرا (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی در آثار سعدی*، تهران: انتشارات تیرگان.
- موحد، ضیاء (۱۳۹۲)، *سعدی*، تهران: انتشارات نیلوفر.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۵)، *سعدی شاعر عشق و زندگی*، تهران: نشر مرکز.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۶)، *ضربه نخست: حمله پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه در سیاست امنیت ملی آمریکا*، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲ (۱۰)، صص ۳۸۳-۳۹۹.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۵)، *جهان مطلوب سعدی در بوستان*، در کتاب: *منصور رستگار فسنایی: مقالاتی درباره‌ی زندگی و شعر سعدی*، تهران: امیرکبیر.

ب) منابع انگلیسی

- Arberry, A. J. (1994), *Classical Persian literature*, London: Curzon.
- Acharya, Amitav; Buzan, Barry (2007), *Why is there no non-Western international relations theory? An introduction*, *International Relations of the Asia-Pacific*, 3 (7), September 2007, Pages 287-312,
- Brown, Chris (1992), *International Relations Theory: New Normative Approaches*, Columbia University Press.
- Carr, E. H. (2001), *Twenty Years Crisis*, New York: Palgrave.
- Cunningham-Cross, Linsay and Peter Marcus Kristensen (2014), *Chinese International Relations Theory*, London: Oxford.
- Ho, Benjamin (2018), *China International Relations Thinking: from Theory to Practice*, Institute of Defense and Strategic Studies, Holiday Inn Singapore Atrium, Available at: https://www.rsis.edu.sg/wp-content/uploads/2018/10/ER181026_China-International-Relations-Thinking.pdf
- Fawcett L (2012), *Between West and non-West: Latin American Contributions to International Thought*, *The International History Review*, 34(4), pp.679-704.
- Inglis, R. B. (1958), *Adventures in world literature*, New York: Harcourt.
- Jones, Charles (1998), *E. H. Carr and International Relations: A Duty to Lie*, Cambridge and New York: Cambridge University Press.

Makarychev A. & Morozov V. (2013), *Is Non-Western Theory Possible? The Idea of Multipolarity and the Trap of Epistemological Relativism in Russian IR*, **International Studies Review**, Vol. 15, pp.328-350.

Mohyeddin Ghomshei, Shadi and Hossein Mohyeddin Ghomshei (2016), *Sa'di and Shakespeare: A Comparative Study of Some Common Themes*, **Studies in Literature and Language**, 4 (12), 2016, pp. 31-38

Qin, Yaqing (2011), *Development of International Relations theory in China: progress through debates*, **International Relations of the Asia-Pacific**, 2 (11), May 2011, pp. 231-257.

Stean, J. and Pettiford, L. (2001), **International Relations: Perspectives and Themes**, London: Longman.

Shani G. (2008), *Toward a Post-Western IR: The Umma, Khalsa Panth, and Critical International Relations Theory*, **International Studies Review**, 10(1), pp.722-734.

Titley, Norham M. and M. I. Waley (1986), **The Bustan of Sa'di: An Illustrated Persian Manuscript Dated 850/1446**, Available at: <https://www.bl.uk/ebj/1986articles/pdf/article9.pdf>

Wohlforth, William. C. (2008), *Realism and Foreign Policy*, in: **Foreign Policy: Theories, Actors, Cases**, edited by Steve Smith, Amelia Hadfield and Tim Dunne, Oxford University press.

